

## The Role of Indian Parsis in the Internal Developments of Iranian Zoroastrian Society During the Qajar Period

Masoud Dadbakhsh

PhD Graduate, Department of History, Khwarazmi University, Lecturer at University of Applied Science and Technology, Tehran, Iran, (corresponding author).

Dadbakhsh.Masoud@gmail.com

۱۶۳

پژوهشنامه ادیان

### Abstract:

Parsis, as an important and powerful social minority in India, improved the living conditions of their co-religionists in Iran by donating financial aid and sending representatives from the Qajar period. They help Zoroastrians achieve the highest social and economic status by receiving the order to cancel the jizya, sending material aid, building Zoroastrian schools and associations, and helping economic and cultural activities. Most of the research conducted in this regard has only examined the role of Persians in improving the social condition of Zoroastrians in Iran with positive and praiseworthy characteristics, and historical documents and data have not been given attention to researchers and active researchers in this field. Therefore, the present study, by examining the available documents and sources and relying on the descriptive-analytical method, seeks to answer the question of what factors the activities of the Persians of India have had constructive or destructive effects on the economic, cultural and religious life of the Zoroastrians of Iran. The researches of this research indicate that despite the influence of Indian Persians on the social and cultural activities of Iranian Zoroastrians, sometimes their dominance in internal and religious issues of this society causes a split among Zoroastrians living in Iran.

**Keywords:** Persis, Zoroastrians of Iran, Qajar Period, Economic Situation, Culture, Religious Developments

## نقش پارسیان هند در تحولات داخلی جامعه زرتشتیان ایران در دوره قاجار<sup>۱</sup>

مسعود دادبخش<sup>۲</sup>

۱۶۴

پژوهشنامه ادیان

### چکیده

پارسیان به عنوان یک اقلیت اجتماعی مهم و قدرتمند در هند، از اواسط دوره قاجار با اهداء کمک‌های مالی و ارسال نماینده باعث بهبود وضعیت معیشتی هم‌کیشان خود در ایران شدند. آنان با دریافت فرمان لغو جزیه، ارسال کمک‌های مادی، ساخت مدارس و انجمن‌های زرتشتی و کمک به فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی، زرتشتیان را در نیل به جایگاه بالاتر اجتماعی و اقتصادی یاری رساندند. غالب تحقیقات صورت گرفته در این باره تنها با رویکردی مثبت و ستایشگرانه به بررسی نقش پارسیان در بهبود وضعیت اجتماعی زرتشتیان ایران پرداخته‌اند و گاه اسناد و داده‌های تاریخی چندان مورد توجه محققان و پژوهشگران فعال در این حوزه قرار نگرفته است. از این رو پژوهش حاضر با بررسی اسناد و منابع موجود و با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که فعالیت‌های پارسیان هند چه تأثیرات سازنده یا مخربی بر حیات اقتصادی، فرهنگی و مذهبی زرتشتیان ایران داشته است؟ یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که با وجود تأثیرگذاری پارسیان هند در غالب فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان ایران، گاه دخالت‌های آنان در مسائل داخلی و مذهبی این جامعه باعث بروز شکاف گسترده در میان زرتشتیان ساکن در ایران شده است.

**کلید واژه:** پارسیان هند، زرتشتیان ایران، دوره قاجار، وضعیت اقتصادی، فرهنگ، تحولات مذهبی

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

۲. دانش آموخته دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، مدرس دانشگاه علمی کاربردی، تهران، ایران.

Dadbakhsh.Masoud@gmail.com

## ۱. مقدمه

با ورود اعراب مسلمان به کشور ساختار مذهبی و اجتماعی ایران دچار تحولاتی گسترده شد. بخش وسیعی از ایرانیان به دلایل مختلف و متفاوت به دین اسلام گرویدند و بخشی نیز به دین زرتشت باقی مانده و به عنوان اهل ذمه مشمول پرداخت جزیه شدند. به مرور زمان شمار زیادی از زرتشتیان ایران اقدام به مهاجرت به هندوستان کرده و جامعه پارسیان هند را تشکیل دادند. غالب مهاجرین به ویژه در سده های ابتدایی از طبقات بالای اجتماعی و جامعه دهقانان و موبدان زرتشتی بودند و مهاجرت آنان باعث تقویت جامعه پارسیان و تضعیف جامعه زرتشتی ایران شد.

فشارهای دینی و اجتماعی بر زرتشتیان ایران در سده های میانی و پس از چیرگی مغولان (سده ۶ق) بر ایران افزایش یافت. این فشارها در دوره صفویه (۹۰۷-۱۰۴۸ ق) و به واسطه تشکیل حکومتی مذهبی، سرعت و شدت بیشتری پیدا کرد و در نیمه ابتدایی حکومت قاجار به اوج خود رسید. شماری از زرتشتیان در این دوران کشته و یا متواری شدند و برخی نیز به دین اسلام گرویدند. از سوی دیگر شمار زیادی از آنان نیز راه مهاجرت به هند را برگزیدند و در میان جامعه پارسیان هند ساکن شدند. در این دوران افزون بر شمار مهاجران، دامنه مهاجرتی زرتشتیان نیز گسترش یافت و افراد طبقه متوسط و تعداد زیادی از صنعتگران و کسبه خرده پا زرتشتی نیز عازم هندوستان شدند؛ که این روند بیش از پیش موجب فقر و تنگدستی و کاهش سریع جمعیت آنان در ایران بود.

در سوی دیگر، هم زمان این حوادث، استیلای بریتانیا بر هند و سیاست های غیردینی این دولت که بیشتر با هدف استعمار و تضعیف باورهای اسلامی و هندو صورت گرفت باعث تقویت جامعه پارسیان هند و قدرت گیری آنان در زمینه های اقتصادی و فرهنگی شد. به ویژه از سده نوزدهم میلادی که جامعه پارسیان هند با همکاری و مساعدت نمایندگان کمپانی هند شرقی بخش عمده ای از تجارت دریایی هند در خلیج فارس و دیگر آب های آزاد جهان را بر عهده داشتند. این در حالی بود که جامعه زرتشتی ایران در دوره قاجار بدترین شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تجربه می کرد و قاطبه زرتشتیان ایران در این ایام افرادی کم سواد و فقیر بودند؛ از این رو از دوران حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) و به واسطه بازتر شدن فضای اجتماعی و گسترش ارتباطات بین المللی کشور، نمایندگان پارسیان هند با هدف بهبود شرایط معیشتی زرتشتیان رهسپار ایران شدند. این نمایندگان توانستند با حمایت های مادی و معنوی پارسیان هند و دولت بریتانیا تحولات گسترده ای را در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه زرتشتی ایران رقم بزنند و جامعه زرتشتی ایران

را از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متحول سازند. هرچند می‌بایست این نکته را نیز مدنظر قرار داد که تمام دیدگاه‌های آنان مورد تأیید زرتشتیان ایران نبود و رویکرد مذهبی ایشان باعث بروز درگیری‌ها و اختلافات گسترده در میان جامعه زرتشتی کشور شد.

مقاله حاضر به دلیل اهمیت موضوع و عدم پرداخت تحقیقات پیشین به تمامی زوایای این ارتباط به نگارش درآمده است. روش گردآوری منابع در این تحقیق کتابخانه‌ای است و نگارنده تلاش دارد تا با بررسی اسناد و منابع موجود به روش توصیفی - تحلیلی پاسخی مناسب برای سؤالات زیر ارائه کند:

۱. حمایت‌های معنوی جامعه پارسیان هند چه تأثیری در روند بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی زرتشتیان ایران داشت؟
۲. پارسیان هند چه تغییراتی در ساختار فرهنگی و آموزشی جامعه زرتشتی ایران ایجاد کردند؟
۳. نقش پارسیان هند و نمایندگان این جامعه در تحولات مذهبی و درگیری‌های داخلی جامعه زرتشتی ایران به چه صورت بوده است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره جامعه پارسیان هند و روابطش با زرتشتیان ایران کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی منتشر شده اما غالب آن‌ها رونوشت از منابع و مطالب قدیمی‌تر است و با رویکردی ستایش‌آمیز به رشته تحریر درآمده‌اند. صبر هواله در رساله دکتری خود با عنوان *روابط پارسیان هند با ایران*، به بررسی درباره این موضوع پرداخته است (۱۳۴۴ ش). این پژوهش به دلیل دسترسی نویسنده به منابع هندی و گجراتی دارای اهمیت است. باوجود این نویسنده در بسیاری از مواقع تنها به نوشته‌های روزنامه جام جمشید و کتابچه *انجمن ایران لیگ* اکتفا نموده و از اسناد و منابع دیگر کمتر بهره برده است. دستور میرزا هرمزدیار در کتابی که با عنوان *Outlines Parsi History* به بررسی اجمالی تاریخچه و وضعیت زندگی پارسیان هند پرداخته است. نسخه ابتدایی کتاب در سال ۱۹۷۴ م و ویراست دوم آن در سال ۱۹۸۷ م در بمبئی به چاپ رسید و تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده است. این کتاب حاوی مطالب ارزشمندی درباره جامعه پارسیان هند است اما روابط پارسیان و جامعه زرتشتی ایران را به طور دقیق و مستند مورد بررسی قرار نداده است.

فرهاد صبوری فر در کتاب *تاریخ روابط پارسیان هند و زرتشتیان ایران* که بر پایه منابع دست اول زرتشتی و کتاب‌های منتشر شده به زبان انگلیسی نگاشته شده (۱۳۹۵ ش)، وضعیت جامعه پارسیان هند در طول تاریخ و روابط آنان با زرتشتیان ایران را مورد بررسی قرار داده است. هرچند که ارتباطات فرهنگی میان این دو جامعه کمتر مورد توجه نگارنده قرار گرفته و مطالب کتاب صرفاً به صورت توصیفی و کمتر بر پایه اسناد و تحلیل گردآوری شده است.

همچنین پژوهش‌های دیگری نیز در این حوزه وجود دارد که هر کدام از آن‌ها تنها به بررسی ارتباط میان پارسیان هند و زرتشتیان ایران از برخی جهات و زوایا پرداخته‌اند. علی‌اکبر تشکری بافقی در مقاله «روابط پارسیان هند با زرتشتیان یزد» (۱۳۹۳ ش)، تنها به بررسی روابط زرتشتیان یزدی با جامعه پارسی هند پرداخته است. وی همچنین در مقاله دیگری با عنوان «چرایی و چگونگی شکل‌گیری روابط میان پارسیان هند و زرتشتیان ایران (بر پایه روایت داراب هرمزدیار)» (۱۳۹۹ ش) که با همراهی علی یزدانی‌راد به نگارش درآمده، تنها بخش‌های مختصری از تاریخچه روابط این دو جامعه را مورد واکاوی قرار داده است.

رضا مهرآفرین و ملیکا حیدری نیز در مقاله «روابط فرهنگی و مذهبی پارسیان هند با زرتشتیان ایران» (۱۳۹۴ ش) تنها بررسی روابط ایجاد شده میان جوامع زرتشتی ایران و هند را از منظر مذهبی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده‌اند.

با همه این اوصاف همان‌طور که پیشتر ذکر شد بیشتر پژوهش‌های مذکور با وجود تمامی تلاش‌ها و زحمات نگارندگان آن‌ها غالباً بازنویسی مطالب و نوشته‌های پیشین بوده و در آن‌ها کمتر به بررسی اسناد گوناگون و رویکرد تحلیلی توجه شده است و این موارد از تفاوت‌های مقاله حاضر با نمونه‌های انجام شده پیشین است.

### ۳. پارسیان هند و اعزام نماینده به ایران

با ورود اعراب مسلمان به ایران و به دلیل تغییرات صورت گرفته در ساختار سیاسی و مذهبی کشور شمار زیادی از زرتشتیان طی سده‌های متمادی به هند مهاجرت کردند و جامعه پارسیان را در این کشور تشکیل دادند. این روند در سده‌های متأخر و به دلیل افزایش فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر روی اقلیت‌های دینی سرعت بیشتری پیدا کرد به طوری که شمار زرتشتیان ایران از سیصد هزار خانوار (بیش از یک میلیون نفر) در قرون میانه و حدود پانصد هزار نفر در ابتدای دوران صفوی به حدود

دوازده هزار نفر در میانه سده نوزدهم میلادی کاهش پیدا کرد (ن. ک: گوینو، ۱۳۸۳: ۲۶۴؛ Hormoydzar, 1987: 224).

در همین ایام پارسیان شرایط کاملاً متفاوتی را تجربه می کردند. آنان به دلیل ایجاد روابط مناسب با نمایندگان دولت بریتانیا به موفقیت های چشمگیری در زمینه های اقتصادی و سیاسی دست یافتند و به دلیل داشتن صرافی های بسیار و انجام فعالیت های اقتصادی گسترده، به یهودیان هندوستان معروف شدند (شورش هندوستان، ۱۳۷۲: ۱۳۱-۱۳۲).

در سده نوزدهم میلادی نفوذ اقتصادی و سیاسی پارسیان به بالاترین حد خود رسید به نحوی که تمام اعضای ده نفره اتاق تجارت (بازرگانی) بمبئی در سال ۱۸۳۶ م از میان اعضای جامعه پارسیان برگزیده شدند (هیل، ۱۳۸۶: ۱۷) و دکتر دادابای ناوروجی<sup>۱</sup> که یکی از افراد سرشناس جامعه پارسی بود به عنوان نخستین نماینده هند در مجلس عوام انگلستان انتخاب گردید (دستمالچی، ۱۳۸۳: ۳۰).

پیشرفت های روزافزون جامعه پارسیان هند و تشدید فشارهای اجتماعی و اقتصادی<sup>۲</sup> بر روی زرتشتیان ایران موجب شد تا پارسیان هند از سال ۱۸۵۴ م/ ۱۲۷۱ ق با حمایت دولت انگلستان نمایندگان را جهت بهبود شرایط هم کیشان خود به ایران اعزام کنند. حضور این نمایندگان باعث گسترش ارتباطات همه جانبه پارسیان هند و زرتشتیان ایران شد و وضعیت معیشتی، اقتصادی و فرهنگی زرتشتیان ایران را دگرگون کرد.

نخستین نماینده جامعه پارسیان مانکجی لیمجی هاتریا<sup>۳</sup> نام داشت. وی تبعه انگلستان و مورد حمایت آنان بود و در ایامی که بیشتر زرتشتیان ایرانی به دست همشهریان خود آزار و اذیت می شدند، او با عزت و احترام و تحت حمایت دولت انگلستان در ایران تردد می کرد (بنجامین، ۱۳۶۹: ۲۶۹). مانکجی به محض ورود به ایران دست به اصلاحات اجتماعی و مذهبی گسترده در میان جامعه زرتشتیان زد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۲۳-۶۲۴). وی بزرگترین مشکل جامعه زرتشتیان ایران را ضعف های فرهنگی و اجتماعی و برآمده از بی سوادی آنان می دانست، از این رو اقدام به تأسیس مدارس در یزد، کرمان و تهران نمود (بویس، ۱۳۶۴: ۴۲۰)؛ اما بی تردید بزرگترین خدمت

۱. Dadabhai Naoroji

۲. برای مطالعه درباره تبعیضات اجتماعی و اقتصادی نگاه کنید به: (خاضع، ۱۳۶۳: ۱۵۵-۱۵۶؛ پیشدادی، ۱۳۷۴: ۱۴۱).

۳. Maneckji Limji Hataria

مانکجی به جامعه زرتشتیان ایران جلب رضایت ناصرالدین شاه قاجار جهت صدور فرمان لغو جزیه در سال ۱۲۹۹ ق بود؛ که بار اقتصادی بزرگی را از شانه زرتشتیان ایران و پارسیان هند برداشت و زمینه را برای بهبود نسبی اوضاع زرتشتیان ایران فراهم کرد (ن. ک: اشیدری ۱۳۵۵: ۴۳۶-۴۵۵).

کیخسرو جی به عنوان دومین نماینده جامعه پارسیان به ایران آمد. هدف اصلی وی تشکیل دوباره انجمن های زرتشتی و سر و سامان دادن به آن ها بود. در دوره حضور وی در ایران انجمن هایی در کرمان، یزد و تهران تأسیس شدند و جملگی آن ها را به احترام ناصرالدین شاه، ناصری نامیدند. کیخسرو در سال ۱۳۱۱ ق در کرمان به قتل رسید. پس از وی اردشیر ایلدجی ریپورتر به نمایندگی پارسیان هند راهی ایران شد (رسولی، ۱۳۸۲: ۱۴۴-۱۴۵). دوران نمایندگی وی که مصادف با ایام مشروطه و به قدرت رسیدن رضاخان بود یکی از پررنگ ترین دوران نفوذ و دخالت پارسیان هند در امور داخلی زرتشتیان ایران به شمار می رود. تمایل وی به انجام اصلاحات گسترده دینی و فرهنگی و کسب جایگاه ممتاز سیاسی و اجتماعی در میان زرتشتیان از یک سو موجب تغییرات گسترده در ساختار مدارس و انجمن های زرتشتی شد و از سوی دیگر اختلافات درونی شدیدی را میان بزرگان جامعه زرتشتیان ایران رقم زد.

**۴. جامعه پارسیان هند و تحول در ساختار اقتصادی و معیشتی زرتشتیان در دوره قاجار**

وضعیت معیشتی و اقتصادی زرتشتیان ایران در دوره قاجار کاملاً متأثر از وضعیت پارسیان هند بود. در این ایام چهل و چهار هزار نفر از پارسیان در بمبئی ساکن بودند و به قدری به کسب و کار و تجارت اهمیت می دادند که واژه پارسی برای مردم هند معنی «کسب و کار» را تداعی می کرد (ماساهاو، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۸). آنان از راه دلالتی تجاری میان هند، اروپا و آمریکا درآمد هنگفتی به دست آورده و از این راه اقدام به تأسیس تجارتخانه ها، شعب بانک و کارخانه های نساجی کرده بودند (پورداد، ۱۹۲۵ م: ۲۳). بخش دیگری از پارسیان نیز در ادارات و قشون انگلیسی بمبئی به رده های بالایی دست پیدا و با خانواده های برجسته اروپایی و به ویژه انگلیسی وصلت کرده بودند (جبل المتین، ۲۵ صفر ۱۳۱۵: ۱۱)؛ اما وضعیت زرتشتیان ایران کاملاً متفاوت با همتایان هندی خود بود. در دهه های ابتدایی سده ۱۹ میلادی زرتشتیان ایران اقلیتی کوچک و غالباً بی سواد و بیشتر ساکن در روستاهای اطراف یزد و کرمان را تشکیل می دادند که به کشت و زرع و یاريسندگی و بافندگی مشغول و از فعالیت های اقتصادی مانند بازرگانی و پیشه وری محروم بودند (کشاورزی، ۱۳۷۳: ۶۹۶-۶۹۷).

این وضعیت موجب شد تا پارسیان هند در سال ۱۸۵۴ م/ ۱۲۷۱ ق تشکلی به نام «انجمن رفاه زرتشتیان ایران» و صندوق اعانه‌ای برای کمک به زرتشتیان ایران ایجاد و نماینده خود مانکجی را در ۳۰ مارس ۱۸۵۴ برای رسیدگی و اصلاح حال زرتشتیان، به‌ویژه زرتشتیان کرمان و یزد، به ایران اعزام کنند (شهریاری، ۱۳۵۴: ۱۶-۲۲). با حضور مانکجی در ایران و دریافت فرمان لغو جزیه از ناصرالدین شاه قاجار، ارتباطات اجتماعی و اقتصادی پارسیان با زرتشتیان ایران گسترش پیدا کرد و آنان دست به اصلاح ساختار معیشتی و اقتصادی زرتشتیان ایران زدند.

هم‌زمان با حضور مانکجی در ایران، زرتشتیان همچنان به باغبانی و کشاورزی مشغول بودند و با وجود نزدیکی محل سکونت آنان به شاهراه‌های تجاری نقش چندانی در مراودات بازرگانی نداشتند (گویینو، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۶۸؛ خانیکف، ۱۳۷۵: ۲۱۱، ۲۱۸)؛ اما با گسترش ارتباط با پارسیان و انجام دلالی‌های تجاری با هند، زرتشتیان در کنار کشاورزی و باغبانی، به‌تدریج به عرصه تجارت و صنعت ابریشم راه پیدا کردند و صاحب چندین کاروان‌سرا در تهران، شیراز و اصفهان شدند. آنان حتی مهمانخانه کوچکی نیز با سرمایه پارسیان هندی در تهران ساختند؛ که درآمد آن میان زرتشتیان تهران تقسیم می‌شد (ن. ک: پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱؛ رایس، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۰؛ بنجامین، ۱۳۶۹: ۱۰۲، ۲۶۸-۲۶۹). از اواخر دوره ناصری بازرگانان زرتشتی به فعالیت در مسقط و جنوب ایران، مشغول (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۱۸۰-۱۸۲) و شماری از آنان مطابق با سفرنامه‌های موجود، در بنادر جنوبی ایران مسکون شدند (دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۷۷: ۹۳). این امر به‌دلیل نفوذ انگلیسی‌ها و حضور تجار پارسی در مناطق جنوبی کشور بود.

با باز شدن راه بنادر تجاری هندوستان به روی زرتشتیان یزد و کرمان، بخشی از زرتشتیان ایران تبدیل به تجار و سرمایه‌داران مرفه شدند و بخش دیگر نیز از روستاها به شهرها آمده و زیر نظر آنان به خرده‌فروشی پارچه و خرید و فروش کالاهایی مانند پشم، روغن و شال در کاروان‌سراها پرداختند (کشاورزی، ۱۳۷۳: ۶۹۸). از مهم‌ترین تجارتخانه‌های زرتشتی در این دوران می‌توان از تجارتخانه‌های جمشیدیان، جهانیان و یگانگی نام برد که همگی آن‌ها از راه ایجاد ارتباط تجاری با پارسیان هند متمول شده بودند.

لرد کرزن<sup>۱</sup> که در این ایام از ایران دیدن کرده است تجار زرتشتی را با دلال‌های چینی بنادر ژاپن مقایسه می‌کند و قسمت عمده تجارت جنوب ایران را در اختیار تجار زرتشتی یزد و کرمان می‌داند (کرزن، ۱۳۷۳: ۲۹۴-۲۹۵). از سوی دیگر جمعیت صد و پنجاه نفره‌ای از زرتشتیان تهران در اواخر عهد ناصری در روستای قلعه‌ک به همراه انگلیسی‌ها و روس‌های آن منطقه در آرامش نسبی زندگی می‌کردند و در بازار تهران برای خود سرای مخصوص داشتند (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۴۶، ۲۹۳، ۳۰۳).

با وقوع انقلاب مشروطه در ایران (۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م) وضعیت زرتشتیان ایران بیش‌ازپیش بهبود پیدا کرد. آبراهام ویلیامز جکسن<sup>۲</sup> پژوهشگر و زبان‌شناس آمریکایی که در آستانه انقلاب مشروطه از ایران دیدن کرده است وضعیت اقتصادی و معیشتی زرتشتیان را بهتر از سایر اقلیت‌های مذهبی ایران می‌داند. وی مهم‌ترین دلیل این مسئله را اقدامات انجمن رفاه زرتشتیان ایران و صندوق اعانه آنکه توسط پارسیان هند در بمبئی تأسیس شده بود، معرفی می‌کند (جکسن، ۱۳۸۷: ۴۲۴، ۴۵۲).

جان ویشارد<sup>۳</sup> نیز اعتقاد دارد که در دوران مشروطه مشارکت زرتشتیان متمول در فعالیت‌های خیریه و کارهای نوع‌دوستانه مانند ساخت مدرسه و بیمارستان افزایش پیدا کرده بود و دلیل این امر را ایجاد دفتر نمایندگی انجمن پارسیان هند در ایران و حمایت‌های گسترده این انجمن و انگلستان از زرتشتیان می‌داند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۸۲-۱۸۳).

حمایت‌های پارسیان هند و به تبع آن دولت انگلستان از زرتشتیان و تقویت اندیشه‌های ناسیونالیستی در میان آزادی‌خواهان ایران باعث شد تا در اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه زرتشتیان صاحب کرسی نمایندگی در مجلس شورای ملی شوند<sup>۴</sup>.

۱. Lord George Nathaniel Curzon

۲. Abraham Valentine Williams Jackson

۳. John G. Wishard. پزشک و میسیون مذهبی آمریکایی که نزدیک به بیست سال (۱۸۹۱-۱۹۱۰ م) در ایران حضور داشت و دوره‌های ناصری و مشروطه را از نزدیک تجربه کرده است.

۴. در جریان متمم قانون اساسی هم این‌گونه حمایت‌ها از ایشان مطرح می‌شد: «زرتشتی‌ها اولاد ایران هستند همان‌طور که سایرین بیدار شده‌اند آن‌ها هم بیدار شده‌اند نمی‌شود جلوگیری کرد این‌ها در این آب‌و‌خاک حق دارند. در قانون بنویسید تا راحت شوند.» نگاه کنید به: مشروح مذاکرات مجلس، دور اول، جلسه ۱۰۴، چهارم جمادی‌الاول ۱۳۲۵ ق.

در سال‌های پس از انقلاب مشروطه، مشروطه‌خواهان بیش از هر چیز به ایجاد استقلال مالی برای حکومت ایران توجه نشان داده و مصمم بودند که با تأسیس بانک ملی دست کشورهای دیگر را از نفوذ اقتصادی و پیامد آن نفوذ سیاسی در ایران کوتاه کنند و در این امر چشم یاری به تجار زرتشتی ایران و حمایت‌های پارسیان هند داشتند؛ از این‌روی نقش تجار زرتشتی مانند ارباب جمشید و برادران شاه جهان بیش‌ازپیش پررنگ شد و آنان به دلیل ارتباط گسترده تجاری با پارسیان هند سعی در جذب سرمایه و کمک‌های مالی آنان برای تأسیس بانک ملی داشتند. هرچند که با ترور ارباب پرویز شاه جهان از بانیان تجارتخانه شاه جهان، زرتشتیان از ادامه روند دل‌سرد شده و دست از تلاش برای تأسیس بانک ملی برداشتند (براون، ۱۳۲۹: ۱۳۵-۱۳۶؛ حبل‌المتین، ۶ ژانویه ۱۹۰۷: ۷-۸).

## ۵. تأثیرات فرهنگی پارسیان هند

پارسیان هند در حوزه‌های مختلف فرهنگی بر جامعه زرتشتیان ایران اثرگذار بودند که مهم‌ترین آن‌ها ساخت مدارس و تأسیس انجمن‌های زرتشتی در ایران بود.

### ۵-۱. ساخت مدارس برای زرتشتیان ایران

در سال‌های آغازین دوره قاجار سوادآموزی در میان زرتشتیان ایران اهمیت چندانی نداشت و تنها مرجع آموزش خواندن و نوشتن، دستوران زرتشتی معروف به ملّا معلم‌ها بودند که آن‌ها نیز بیشتر مسائل دینی و تاریخی را به فرزندان و نزدیکان خود آموزش می‌دادند (سفیدوش، ۱۹۹۹: ۲۷). در عصر ناصری و با تأسیس دارالفنون به تدریج داوطلبان بدون در نظر گرفتن دین و جایگاه اجتماعی و تنها با دانستن زبان و خط فارسی اجازه حضور و تحصیل در این مدرسه را یافتند (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۰۵). از این‌رو کودکان زرتشتی، مسیحی و یهودی نیز به تدریج به مدارس دولتی راه پیدا کردند، اما تعداد آن‌ها بسیار کم بود و معاشرت و مصاحبت چندانی با دانش‌آموزان مسلمان نداشتند (رجایی، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۶۹) و به همین دلیل پیشرفت چندانی در زمینه آموزشی در جامعه زرتشتی ایران به وجود نیامد. برخلاف زرتشتیان ایران، پارسیان هند در همین ایام توانستند در زمینه‌های آموزشی پیشرفت زیادی کرده و بخش اصلی جامعه با سواد هند را تشکیل دهند.<sup>۱</sup>

۱. پارسیان هند با وجود جمعیت نه‌چندان زیاد، بر طبق سرشماری‌های دهه آخر قرن بیستم میلادی ۶۵ درصد جامعه باسواد هند را تشکیل می‌دادند. طبق تحقیقاتی که درباره میزان با سوادان هندی از سال ۱۸۸۱ م. تا ۱۹۰۱

با حضور نمایندگان پارسیان هند در ایران ساختار آموزشی جامعه زرتشتیان تغییر پیدا کرد. مانکجی عامل عقب ماندگی زرتشتیان را بی سوادى و ناآگاهى آنان مى دانست از این رو در همان سال های ابتدایی حضور در ایران اقدام به ساخت یازده مدرسه و مکتب خانه در شهرهای یزد و کرمان و دهات های اطراف نمود. با وجود این به نظر می رسد که سیستم آموزشی مدارس یزد و کرمان چندان مناسب و پیشرفته نبود و نظر مانکجی را به خود جلب نکرد. از این رو در سال ۱۲۸۲ ق/ ۱۲۴۵ ش تعدادی از کودکان زرتشتی کرمان و یزد را به تهران آورد و دبستان شبانه روزی زرتشتیان تهران را پایه گذاری نمود که تا سال ۱۲۹۳ ق هزینه های آن از طرف انجمن اکابر پارسیان هند پرداخت می شد (karaka:1884:85). مانکجی مبلغی را نیز به عنوان مقرری به ازای هر دانش آموز به خانواده وی می پرداخت تا مانع از تحصیل و پیشرفت آنان نشوند. تعدادی از آنان بعدها جزو دسته روشنفکران اجتماعی و دینی قرار گرفتند و برخی دیگر در زمینه تجاری به شهرت دست یافتند و اکثریت آنان مصدر خدمات گسترده ای به زرتشتیان نسل های بعد شدند. مانکجی پس از تربیت نسل اول کودکان زرتشتی اقدام به ساخت دبستان هایی جدید در یزد و کرمان نمود و از دانش آموزان پیشین به عنوان معلم بهره برد. به طور نمونه وی جوانمرد شیرمرد را به یزد و میرزا افلاطون را به کرمان فرستاد تا آموزش و تربیت نسل بعدی محصلان زرتشتی را بر عهده بگیرند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۲۸، ۶۳۸-۶۳۹؛ اشیدری، ۱۳۵۵: ۴۵۱-۴۵۳).

آن طور که به نظر می رسد با وجود مغایرت برخی تعالیم این مدارس با قواعد و احکام اسلامی، آن ها در زمینه امور آموزشی و مواد درسی خود از طرف دولت ایران آزاد بودند که این اتفاق بالطبع حاصل تفکرات آزاداندیشانه حکومت نبود و از کمبود آگاهی دولت مردان و متولیان امور فرهنگی کشور نسبت به محتوای آموزشی مدارس زرتشتی حکایت داشت.

پس از مانکجی، کیخسرو جی به عنوان نماینده انجمن اکابر پارسی به ایران آمد. وی با توجه به کاهش حمایت های مالی پارسیان هندوستان به یزد و کرمان سفر کرد و برای تأمین هزینه های مدارس

---

م. انجام شده است از هر ۱۰۰۰ نفر با سواد هندی، ۶۵۰ نفر زرتشتی، ۲۹۲ نفر مسیحی، ۲۶۹ نفر بودائی، ۶۹ نفر هندو و ۴۱ نفر مسلمان بودند. همچنین در سال ۱۹۰۱ م. از ۷۸۰۰۰ زرتشتی هند نزدیک به ۵۱۰۰۰ نفر آنان با سواد بودند که این میزان در سال ۱۹۱۱ م. به ۶۰۰۰۵ نفر از ۸۳۵۶۶ زرتشتی رسید که به طور تقریبی حدود ۷۶ درصد جمعیت ایشان را افراد با سواد تشکیل می دادند که با توجه به زمان تحقیق نرخ سواد جامعه زرتشتیان هند بسیار بالا بوده است (ن.ک: زرتشت باستانی و فلسفه او - حیات اجتماعی پارسیان هندوستان، ۱۳۵۳: ۱۵).

متمولان زرتشتی را راضی به پرداخت کمک‌های مالی نمود (شهمردان، ۱۳۶۰: ۲۷۰-۲۷۷). در دوران وی ۷ مدرسه زرتشتی در یزد و اطراف آن، ۳ مدرسه در کرمان و مناطق اطراف و ۱ مدرسه در تهران وجود داشت (اشیدری، ۱۳۵۵: ۴۱۲)؛ که پارسیان هند در ساخت و یا پرداخت هزینه‌های آن مدارس دخیل و سهیم بودند.

با حضور اردشیر جی در ایران روند ساخت مدارس زرتشتی ادامه پیدا کرد. در این ایام افزون بر ساخت مدارس پسرانه، به دلیل حمایت‌های اردشیر از تحصیل دختران<sup>۱</sup> به شمار مدارس دخترانه زرتشتی نیز افزوده شد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۷۰، ۵۸۸).

با وقوع انقلاب مشروطه و بازتر شدن فضای فکری کشور، روند ساخت مدارس با حمایت و سرمایه‌گذاری پارسیان هند و زرتشتیان متمول ایران سرعت گرفت و شمار افراد باسواد در میان دختران و پسران زرتشتی افزایش پیدا کرد (پوررستمی، ۱۳۸۸: پیوست ۱۷).

## ۵-۲. تشکیل انجمن‌های زرتشتی و تأثیر آن‌ها در حیات اجتماعی زرتشتیان

پایه‌ریزی نخستین انجمن‌های زرتشتی جهان به حدود سال ۱۶۹۸ م / ۱۱۰۹-۱۱۱۰ ق در بمبئی هندوستان بازمی‌گردد. این انجمن تشکلی ۵ نفره از سران و بزرگان زرتشتی بود و از این رو «پنجایت» به معنی «هیئت ۵ نفره» نامیده می‌شد. پنجایت ۳ وظیفه اصلی را بر عهده داشت: ۱. وضع قوانین اجتماعی و مدنی پارسیان؛ ۲. داوری درباره دعاوی اشخاص و دادخواهی از مراجع دولتی و ۳. تقسیم منصفانه و صحیح املاک و وجوه موقوفات پارسیان. با تشدید سیر مهاجرت زرتشتیان ایران به هند و به وجود آمدن ارتباطات بیشتر مابین پیروان اقلیت دینی زرتشتی در ایران و هند، به تدریج پارسیان هند خود را موظف به پیگیری و بهبود وضعیت زرتشتیان ایران دانستند و در سال ۱۲۷۱ ق / ۱۲۳۳ ش تقریباً هم‌زمان با اعزام مانکجی به ایران، انجمنی به نام «انجمن بهبود حال زرتشتیان ایران» توسط پارسیان تشکیل شد که هدف آن بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی زرتشتیان ایران بود (پوررستمی، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۱).

۱. برای مطالعه بیشتر نظرات وی درباره آزادی‌های بانوان و تحصیلات آنان نگاه کنید به: پرورش، س اول، ش ۲۸، دوشنبه ۹ رمضان ۱۳۱۸ / ۳۱ سپتامبر ۱۹۰۰، صص ۲-۵.

آن طور که از سفرنامه ژولین دو روششوار<sup>۱</sup> فرانسوی برمی آید، زرتشتیان ایران نیز در عهد ناصرالدین شاه انجمنی را تشکیل داده بودند و جلساتی را در تهران برای رایزنی و تصمیم گیری در مورد مسائل مختلف برگزار می کردند. اعضای این جلسات ۴۵ نفر و دربرگیرنده نمایندگان تمامی صنوف زرتشتی از تاجر تا باغبان بود و هزینه های هر دوره از این جلسات که نزدیک به ۳ شبانه روز طول می کشید به نوبت بر عهده یکی از اعضای جلسه بود (روششوار، ۱۳۷۸: ۱۵۸).

با وجود آنکه روششوار توضیحات زیادی درباره برگزاری این جلسه داده است اما از آنجا که منابع دیگر به آن اشاره ای نداشته اند، می توان حدس زد که این جلسات به صورت نیمه مخفیانه برگزار می شده و تداوم چندانی نداشته است.

با حضور نمایندگان پارسیان در ایران نخستین انجمن های رسمی زرتشتی توسط مانکجی در کرمان و یزد تأسیس شدند که وظایفی از قبیل: ۱. تأمین محل نمازگزاری و عبادت زرتشتیان کرمان؛ ۲. تأمین مراکز آموزشی ۳. برگزاری گهنبارها<sup>۲</sup> و جشن ها ۴. برگزاری مراسم ازدواج و ۵. جمع آوری کمک های زرتشتیان را بر عهده داشتند (نمیرانیان، ۱۳۸۶: ۴۳۷).

با مرگ مانکجی (۱۲۶۹ ش) فعالیت های این انجمن ها مدتی متوقف شد تا آنکه در حدود

سال ۱۳۰۹ ق / ۱۲۷۰ ش<sup>۳</sup> با تلاش کیخسرو جی دوباره «انجمن ناصری زرتشتیان یزد» و «انجمن ناصری زرتشتیان کرمان» برپا شدند. سال های بعد و پس از پیروزی انقلاب مشروطه عبارت «ناصری» از نام آنان حذف شد و به «انجمن زرتشتیان یزد» و «انجمن زرتشتیان کرمان» موسوم گردیدند.

۱. Julien de Rochechouart

۲. گهنبار یا گاهنبار از جشن هایی است که هر سال شش مرتبه و در زمان مخصوصی برگزار می شود و احتمالاً به دوران پیش از زرتشت بازمی گردد هر چند که برخی از محققین شش نوبت اجرای گهنبار را به شش مرحله آفرینش در باورهای سنتی زرتشتیان نسبت می دهند. این جشن در ابتدا جشن کشاورزی بوده است یعنی در هر فصل که تغییرات مفیدی برای زمین، گیاه، آب و هوا رخ می داد کشاورزان دورهم جمع شده و به شادمانی می پرداختند. به تدریج این گهنبارها علاوه بر جشن و سرور تبدیل به همایش و گردهمایی برای بررسی بهبود شیوه های کشاورزی و دامداری گردید. در پایان هر گهنبار کشاورزان و دامداران بخشی از سود خود را به نیازمندان اهدا می کردند (نیکنام، ۱۳۸۱: ۱۷۲).

۳. در برخی منابع تاریخ تأسیس انجمن ها ۱۲۷۱ ش ذکر شده است که احتمالاً به دلیل عدم تطبیق درست تاریخ قمری به شمسی است. با توجه به آنکه برای افتتاح انجمن یزد تاریخ پنجم ماه رجب ۱۳۰۹ ق ذکر شده که مصادف است با ۱۵ بهمن ۱۲۷۰، سال ۱۲۷۰ ش صحیح است.

به تدریج در دهات‌های زرتشتی نشین اطراف یزد و کرمان نیز انجمن‌های زرتشتی ساخته شدند. تا آنکه تقریباً هم‌زمان با سالگرد پیروزی نهضت مشروطه در ۲۷ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵ ق با همت ارباب کیخسرو شاهرخ و مساعدت، همراهی و نظارت اردشیر ریپورتر نماینده وقت جامعه پارسیان هند «انجمن زرتشتیان طهران» با ۱۴ عضو و به ریاست ارباب کیخسرو شاهرخ در کاروان‌سرای مشیر خلوت تشکیل شد که بعدها نام آن به «انجمن زرتشتیان تهران» تبدیل گردید (رضی، ۱۳۶۵: ۱۵). چند سال بعد در ۱۶ محرم ۱۳۲۸ ق، انجمن زرتشتیان شیراز نیز در باغ وقفی مسافرخانه ملت زرتشتیان شیراز تشکیل شد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۹۴).

تمامی امور اجتماعی جامعه زرتشتی ایران در دهه‌های پایانی حکومت قاجار، به‌ویژه در شهرهای کرمان و یزد، تحت سرپرستی و نظارت انجمن‌های زرتشتی اداره می‌شد؛ که همین امر عامل اصلی نفوذ جامعه پارسیان هند در تحولات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی زرتشتیان ایران بود (باستانی پاریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۴-۱۰۵).

در اواخر حکومت قاجار بر پایه قانون مصوب مجلس شورای ملی نظارت و سرپرستی تمامی موقوفات کشور در اختیار وزارت معارف قرار گرفت، باوجوداین به‌دلیل تلاش‌های انجمن‌های زرتشتی و نفوذ گسترده آن‌ها در میان جامعه زرتشتی ایران، وزارت معارف در تاریخ ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ موقوفات زرتشتیان را از این قاعده مستثنا اعلام کرد و سرپرستی این موقوفات را در اختیار انجمن‌های زرتشتی هر منطقه قرار داد و این انجمن‌ها را تنها موظف به اعلام گزارش وضعیت به وزارت معارف دانست (ساکما، شناسه: ۶۹۳/۲۵۰).

## ۶. نقش پارسیان هند در تحولات مذهبی جامعه زرتشتی در دوره قاجار

اردشیر ریپورتر نماینده سوم پارسیان هند در ایران بود. وی نسبت به دو نماینده دیگر جامعه پارسیان دیدگاه‌های متفاوتی درباره مسائل اجتماعی جامعه زرتشتی داشت. مانکجی و کیخسرو تمام تلاش خود را معطوف به کسب امتیازهای اجتماعی از حکومت و انجام اصلاحات ساختاری در حوزه‌های اقتصادی و زیرساخت‌های فرهنگی جامعه زرتشتی ایران کردند. اما وی افزون بر مسائل اجتماعی و فرهنگی به دنبال ایجاد تحول در ساختار فکری و مذهبی زرتشتیان ایران نیز بود.

اردشیر برخلاف نمایندگان پیشین پارسیان هند، شخصیتی مرموز و پیچیده داشت به طوری که حتی فرزند وی، شاپور ریپورتر<sup>۱</sup>، به این مورد اشاره می کند و می نویسد «او عامل اطلاعاتی ارشدی بود که حتی زندگی همسر و فرزند خود را به اطلاعات آلوده کرده بود. کسی جز افراد معتمد او نباید از اینکه من پسر اویم اطلاع می یافت و به همین دلیل در کودکی نمی دانستم پدرم کجاست و چه کاره است» (رنجی شری، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۵).

اردشیر در گام نخست به انجام اصلاحات گسترده فکری و عقیدتی در حوزه زنان ایرانی و زرتشتی<sup>۲</sup> پرداخت. وی آنان را به تحصیل و انتخاب پوشش به سبک دختران و زنان زرتشتی هندوستان تشویق می کرد و در مقالات خود تعصبات افراطی دینی و مذهبی را باعث واپس ماندگی ایرانیان می دانست (ن. ک: پرورش، ۳۱ سپتامبر ۱۹۰۰: ۵). اردشیر برای انجام این مهم حتی گاه به شهرها و روستاهای زرتشتی نشین سفر و در جهت احقاق حقوق بانوان سخنرانی می کرد (صبوری فر، ۱۳۹۵: ۲۵۱).

آن گونه که به نظر می رسد تلاش های وی جهت انجام اصلاحات مذهبی و اعتقادی به مذاق قدرت های سنتی جامعه زرتشتی ایران خوش نیامد و موجب شد تا اردشیر نتواند رابطه حسنه خود را با بخشی از بزرگان جامعه زرتشتی ایران، به ویژه ارباب کیخسرو شاهرخ، حفظ کند. اردشیر همواره به حمایت از متجددین زرتشتی و زرتشتیان بهایی شده (احبا) می پرداخت و تلاش داشت تا آنان نیز به عنوان بخشی از جامعه زرتشتی ایران شناخته شوند. بخشی از زرتشتیان هم زمان با حضور نمایندگان جامعه پارسیان هند در ایران، به آیین نوظهور بهائیت گرایش یافته و در میان زرتشتیان با عنوان احبا مشهور شدند. این افراد که از سوی جامعه سنتی زرتشتیان ایران طرد شده بودند، یکی از دلایل اختلاف فکری و مذهبی پارسیان هند با زرتشتیان سنتی ایران به شمار می آمدند. مانکجی تلاش زیادی در جهت مقبولیت این افراد در میان زرتشتیان ایران داشت و جهت تسهیل این امر روابط حسنه ای را

۱. هرچند نام نویسنده بر روی کتاب «آرین رنجی شری» درج شده است، ولی مطالعه دقیق کتاب خواننده را به این نتیجه می رساند که مؤلف به احتمال زیاد شاپور جی ریپورتر فرزند اردشیرجی است تعداد زیادی از پژوهشگران تاریخ معاصر نیز مانند موسی فقیه حقانی و حسین آبادیان این امر را قطعی می دانند (ن. ک: آبادیان، ۱۳۸۳: ۱۴۲؛ فقیه حقانی، ۱۳۷۷: ۲۶۵).

۲. در این ایام زنان زرتشتی وضعیت بهتری نسبت به زنان مسلمان داشتند؛ اما در باور جامعه سنتی زرتشتی نیز، زنان در جایگاه پست تری نسبت به مردان قرار می گرفتند. هانری رنه د آلمانی، جهانگرد و سفرنامه نویس فرانسوی که در این ایام از ایران دیدن کرده است به وضوح به این نکته اشاره دارد (ن. ک: آلمانی، ۱۳۳۵: ۸۰۸/۳).

با حسینعلی نوری ملقب بهاءالله بنیان‌گذار آیین بهائیت ایجاد کرد (ن. ک: قدس جورابچی، بی‌تا: ۲۳۹-۲۴۷). این ارتباط حسنه میان کیخسرو جی، نماینده بعدی جامعه پارسیان و عبداله‌ها ادامه پیدا کرد و وی نیز به صورت غیر علنی و نسبی به حمایت از متجددین زرتشتی و زرتشتیان بهایی شده می‌پرداخت و همین امر نیز به باور تاریخ‌نگاران زرتشتی و بهایی عامل اصلی مسمومیت وی به دست زرتشتیان سنتی ایران بود (ن. ک: زارع، بی‌تا: ۱۱۵/۲؛ فاضل مازندرانی، ۱۳۵۴: ۹۳۴/۸-۹۳۵).

آن‌طور که به نظر می‌رسد کیخسرو جی به دلیل مخالفت‌هایی که با روحانیون سنتی زرتشتی داشت و به تهییج آنان به قتل رسید که یکی از بزرگ‌ترین مسائل مورد اختلاف، حمایت‌های وی از زرتشتیان بهائی شده بود. پس از وی اردشیر جی که به صورت کامل از سوی پارسیان هند و حکومت انگلستان مورد حمایت و تأیید قرار داشت با حمایت‌های علنی خود از زرتشتیان بهائی شده بر آتش اختلافات داخلی این اقلیت کم‌جمعیت در ایران دامن زد و وضعیت داخلی جامعه زرتشتی ایران و به‌ویژه شهر یزد بیش‌ازپیش آشفته شد. از زمان حضور کیخسرو جی انجمن زرتشتیان یزد محل آموشد زرتشتیان دگراندیش و تجددخواه شده بود. در دوره اردشیر جی نفوذ این افراد همچون ماستر خدابخش، استاد جوانمرد و کیومرث وفادار بیشتر از پیش شد و آنان مسئولیت آموزش کودکان در مدارس خسروی و کیخسروی یزد را برعهده گرفتند. مدارسی که در آن‌ها افزون بر دانش‌آموزان زرتشتی بهائیان نیز اجازه تحصیل داشتند (رئیس، ۱۳۵۹: ۴۷۰-۴۷۱؛ افخمی، ۱۹۸۶: ۱).

همچنین اردشیر در روند برگزاری انتخابات انجمن زرتشتیان یزد به سود آنان دخالت کرد که این حادثه باعث بروز اختلافات زیادی مابین وی، انجمن‌های زرتشتی و ارباب کیخسرو به‌عنوان نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی شد. با آغاز درگیری‌ها اردشیر، انجمن زرتشتیان یزد را با حمایت‌های پارسیان هند و دخالت کنسولگری انگلستان تعطیل کرد و پس از چندی از ایران خارج شد (ن. ک: ساکما، شناسه: ۲۹۳/۶۰۶۲). تلاش ارباب کیخسرو برای بازگشایی دوباره انجمن زرتشتیان یزد و تصفیه آن از عناصر تجددخواه زرتشتی باعث تیرگی روابط وی با جامعه پارسیان و حکومت انگلستان شد؛ ارتباطی که به اعتقاد ارباب کیخسرو هیچ‌گاه مجدد گرم و صمیمی نگردید (شاهرخ، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۶، ۱۰۰).

در اواخر سال ۱۳۳۵ ق ماستر خدابخش که از مهم‌ترین تجددخواهان و حامیان احبا یزد به‌شمار می‌آمد به دست انجمنی متشکل از زرتشتیان متعصب و افراطی یزد به نام انجمن حق‌گوی یزد ترور

شد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۰۳-۶۰۵). وی از دسته زرتشتیانی بود که بعد از تحصیلات ابتدایی در ایران به بمبئی هندوستان و نزد انجمن اکابر پارسی فرستاده شد و چهارده سال در آنجا تحت آموزش قرار گرفت و به زبان‌های انگلیسی، گجراتی، اوستایی، پهلوی و عربی و... مسلط شد. ماستر پس از بازگشت به ایران به تدریس در مدرسه کیخسروی یزد پرداخت و با حمایت کیخسرو جی، به عضویت انجمن زرتشتیان یزد (انجمن ناصری) درآمد. ماستر از حامیان احبای یزد بود و به همین جرم توسط ژاندارمی زرتشتی به نام فریدون به قتل رسید. نکته جالب توجه آنکه فریدون پس از دستگیری به قم منتقل و از آنجا فراری شد و تظلم‌خواهی مادر ماستر به جایی نرسید (ساکما، شناسه: ۲۹۳/۶۰۴۲). سیاوش سفیدوش که خود یکی از احبای شناخته شده آن روزگار به شمار می‌آید اعتقاد دارد که فریدون با حمایت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده زرتشتیان در مجلس و دستوران زرتشتی از مجازات گریخت (سفیدوش، بی تا: ۱۲۷-۱۲۸).

در همین ایام نامه‌های تهدیدآمیزی منتسب به همسر اردشیر ریپورتر، شیرین، به ارباب کیخسرو شاهرخ ارسال و پای نظمیۀ تهران و وزارت امور خارجه نیز از بیستم محرم ۱۳۳۶ ق به این دعوها باز شد (ساکما، شناسه: ۳۶۰/۵۹۱۹). هرچند که این ایام مصادف با حضور اردشیر در هند بود و هیچ کدام از سازمان‌های سیاسی و نظامی کشور تمایلی به بازداشت همسر یک تبعه انگلیس نداشتند. این نابسامانی‌های موجب شد تا انجمن‌های زرتشتی تهران، یزد و کرمان از نوزدهم محرم ۱۳۳۷ ق با ارسال نامه‌هایی جداگانه به وزارت امور خارجه و جامعه پارسیان هند، از آنان بخواهند تا نماینده دیگری را به جای اردشیر ریپورتر به ایران اعزام کنند و وزارت امور خارجه نیز پیگیر این امر شود (متما، شناسه: ۱۷۰۸۹-۱۷۰۹۰، ن، ۱۷۰۸۴، ن، ۱۷۰۸۲، ن)؛ باوجوداین انجمن اکابر پارسیان هند دوباره در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۱۹ / ۲۸ رمضان ۱۳۳۷، اردشیر را به عنوان نماینده خود در ایران تعیین می‌کند (متما، شناسه: ۱-۱۶۳۱/۶)؛ که این انتخاب با تمام مخالفت‌های صورت گرفته توسط جامعه زرتشتیان و حکومت ایران، حکایت از نفوذ و جایگاه پارسیان هند و ضعف حکومت مرکزی ایران در دوران پس از جنگ جهانی اول دارد.

هرچند که باید این نکته را نیز در نظر داشت که اردشیر ریپورتر حامیانی نیز در میان زرتشتیان تجددخواه ایران، به‌ویژه در یزد و اطراف آن، داشت. ازاین‌رو با انتصاب مجدد اردشیر، دگراندیشان زرتشتی و پیروان وی در شهر یزد و دهات‌های اطراف آن حمایت خود را از این انتصاب اعلام کردند (متما، شناسه ۴۷۵۵۰، ن).

با بازگشت اردشیرجی به ایران رابطه وی و ارباب کیخسرو شاهرخ بیش از پیش به سردی گرایید و اردشیر در محافل خصوصی، کیخسرو شاهرخ را فردی خائن، مزور، شارلاتان و زاده پدری مفلوک و فال گیر معرفی می کرد و معتقد بود که دلیل مخالفت کیخسرو شاهرخ با وی، حسادت به جایگاه او به عنوان نماینده جامعه پارسیان هند است (کمره ای، ۱۳۸۲: ۱۴۸۲/۲).

این ارتباط تا پایان دوره قاجار هیچ گاه تلطیف نشد و جامعه پارسیان هند و زرتشتیان سنتی ایران همواره بر سر مسائل مذهبی و اصلاحات دینی با یکدیگر درگیر بودند. با به قدرت رسیدن رضاشاه و تمایل وی به ایجاد وحدت و یکپارچگی ملی و انجام اصلاحات ساختاری و فرهنگی، جامعه زرتشتیان ایران نیز دچار تحولات عمده در حوزه های اجتماعی، معیشتی، فرهنگی و مذهبی گردید و درگیری های درون خانوادگی آن ها به بوته فراموشی سپرده شد.

## ۷. نتیجه گیری

آن گونه که از بررسی های صورت گرفته در مقاله حاضر برمی آید روابط پارسیان هند با جامعه زرتشتیان ایران که از اواسط عهد ناصری و با اعزام نمایندگان پارسیان به ایران، شکل پررنگ تری به خود گرفت باعث ایجاد تغییرات ساختاری در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زرتشتیان شد.

پارسیان به کمک حکومت انگلستان و با اعزام نمایندگان به ایران توانستند تأثیرات مثبتی را در زندگی اجتماعی و معیشتی زرتشتیان ایران ایجاد کنند. به طوری که لغو جزیه باعث بهبود زندگی عامه زرتشتیان ایران شد و ایجاد ارتباط تجاری میان تجار زرتشتی یزد و کرمان با بازرگانان پارسی باعث گردید تا شماری از تجار سرشناس زرتشتی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی کشور صاحب نفوذ و قدرت شوند. ارتباط با جامعه پارسیان هند در حوزه های فرهنگی و آموزشی نیز به سود زرتشتیان ایران بود. ساخت مدارس نوین و انجمن های زرتشتی در شهرها و روستاهای زرتشتی نشین کشور جملگی با حمایت های مادی و معنوی جامعه پارسیان هند صورت گرفت و فعالیت های این اماکن موجب ارتقای سطح فرهنگی جامعه زرتشتیان ایران شد.

با تمام این اوصاف فعالیت های مذهبی جامعه پارسیان و نمایندگان آن چندان به مذاق جامعه سنتی زرتشتی ایران خوش نیامد و همین امر باعث بروز اختلافات گسترده داخلی در میان آنان شد. آن گونه که مشخص شد پارسیان هند با حمایت دولت انگلستان تلاش بسیاری در جهت مدرن سازی

ساختار اجتماعی، فرهنگی و مذهبی هم‌کیشان خود در ایران داشتند که این مسئله بیش از همه در زمینه مسائل مذهبی نمود پیدا کرد. حمایت از زرتشتیان بهایی شده و جوانان نوگرا و حمایت از حقوق زنان زرتشتی از مهم‌ترین وجوه اختلاف پارسیان هند و زرتشتیان ایران بود. اگرچه این اختلافات با به قدرت رسیدن رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰) و ایجاد تحولات ساختاری گسترده در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی کشور به تدریج از بین رفت.

## منابع

- آبادیان، حسین، «رپورتورها و تحولات تاریخ معاصر ایران»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۳۸۳، س ۲، ش ۲، ۱۳۹-۱۹۳.
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شناسه اسناد: ۲۹۳/۶۰۴۲؛۲۵۰/۶۹۳؛ 6062/293؛ ۳۶۰/۵۹۱۹.
- آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما): شناسه اسناد: ۱۷۰۸۹-۱۷۰۹۰؛ ۱۷۰۸۴؛ ۱۷۰۸۲؛ 47550؛ 6/1-1631 ن.
- اشیدری، جهانگیر، ۲۵۳۵/۱۳۵۵، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، تهران: انتشارات ماهنامه هوخ.
- افخمی، مهناز، ۱۹۸۶، «مصاحبه با رستم صرفه»، تاریخ شفاهی ایران، جلد ۴، کالیفرنیا: بنیاد مطالعات ایران.
- آلمانی، هانری رنه د، ۱۳۳۵، از خراسان تا بختیاری، جلد ۳، ترجمه فره‌وشی (مترجم همایون)، تهران: امیرکبیر.
- اورسل، ارنست، ۱۳۸۲، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، «سازگاری و سازواری زرتشتیان با مردم کرمان»، یادواره بزرگداشت سه هزار سال فرهنگ زرتشتی. ۱۳۸۳، تهران: انجمن زرتشتیان تهران.
- براون، ادوارد، ۱۳۲۹، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، تهران، کانون معرفت.
- بنجامین، س. ج. و، ۱۳۶۹، سفرنامه بنجامین، ترجمه محمدحسین کرد بچه، تهران: انتشارات جاویدان.
- بویس، مری، «مانکجی لیمجی هاتریا در ایران»، چیستا، ۱۳۶۴، س ۳، ش ۲۶، ۴۲۴-۴۳۲.
- پورداد، ابراهیم، ۱۲۹۵/۱۹۲۵ یزدگردی، ایرانشاه، بمبئی: انتشارات انجمن زرتشتیان بمبئی.
- پوررستمی، فرامرز، ۱۳۸۷، انجمن زرتشتیان ایران، یک سده تلاش و خدمت، تهران: انتشارات فروهر.
- پولاک، یاکوب ادوارد، ۱۳۶۸، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

- پیشدادی، جمشید، ۱۳۷۴/۱۹۹۵ م، خاطرات ۳۶۵ روز یا پاره‌ای از سنت‌های زرتشتیان در سده گذشته، کالیفرنیا: شرکت چاپ نامحدود.
- جکسن، ابراهیم و. ویلیامز، ۱۳۸۷، سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال، چاپ ۵، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خاضع، اردشیر، ۱۳۶۳، خاطرات اردشیر خاضع، جلد ۲، تصحیح رشید شهردان، بمبئی: کتابفروشی خاضع.
- دستمالچی، اصغر، ۱۳۸۳، تاریخ روابط ایران و هند، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۷۷، به تصحیح و اهتمام سید علی آل‌داود، چاپ ۲، تهران: ۱۸۳  
امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- دیولافوا، ژان، ۱۳۷۶، سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۸۴-۱۸۸۶، ترجمه ایرج فره‌وشی، چاپ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رایس، کلارا، ۱۳۸۳، سفرنامه کلارا کولیور رایس: زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۳.
- رجایی، عبدالمهدی، ۱۳۸۳، تاریخ اجتماعی ایران در عصر ظل السلطان (از نگاه روزنامه فرهنگ اصفهان)، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رسولی، مرتضی، «زرتشتیان معاصر (گفتگو با بوذرجمهر مهر)»، تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۲، س ۷، ش ۲۸، ۱۲۳-۱۶۱.
- رضی، هاشم، ۱۳۹۴، تاریخ زرتشتیان ایران (اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان در دوران قاجاریه)، تهران: انتشارات بهجت.
- رنجی شری، آرین، ۱۳۷۷، به دام افتاده (بزرگ‌ترین رویارویی جاسوسی شرق و غرب در تهران)، ترجمه محسن اشرفی، تهران: نشر نی.
- روزنامه پرورش، ۹ رمضان ۱۳۱۸ / ۳۱ سپتامبر ۱۹۰۰، س ۱، ش ۲۸.
- روزنامه حبل‌المتین، ۲۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ ق / ۶ ژانویه ۱۹۰۷ م، س ۱۴، ش ۲۱.
- روزنامه حبل‌المتین، ۲۵ صفر ۱۳۱۵ / ۲۶ جولای ۱۸۸۹ م، س ۴، ش ۲۳.
- روششوار، ژولین دو، ۱۳۷۸، خاطرات سفر در ایران، ترجمه مهرا توکلی، تهران: نشر نی.

- رئیس، میرزا مهربان، «شرح حال ماستر خدابخش»، فروهر، ۱۳۵۹، س ۱۵، ش ۱۱ و ۱۲. ۴۷۰-۴۷۱.
- زارع، اردشیر، بی تا، *خاطرات اردشیر زارع*، جلد ۲، تهران: نسخه تایی موجود در آرشیو کتابخانه یگانگی.
- سفیدوش، سیاوش، بی تا، *یاردیرین*، بی جا: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
- سفیدوش، عنایت خدا، ۱۹۹۹ م، *تنی چند از پیشگامان پارسی نژاد*، اونتاریو: مؤسسه معارف بهائی.
- شهریاری، پرویز، «پارسی نامه»، فروهر، ۱۳۵۴، س ۱۰، ش ۵، ۱۶-۲۲.
- شهرمدان، رشید، ۱۳۶۰، *تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان*، تهران: چاپخانه راستی.
- شهرمدان، رشید، ۱۳۶۳، *تاریخ زرتشتیان*، فرزندگان زرتشتی، تهران: نشر فروهر.
- شورش هندوستان، ۱۸۵۷ م. ۱۲۷۴ ه. ق، ۱۳۷۲، ترجمه آوانس ماسیان، به کوشش صفاءالدین تبرائیان، تهران: انتشارات نیلوفر.
- صبورفر، فرهاد، ۱۳۹۵، *تاریخ روابط پارسیان هند و زرتشتیان ایران*، تهران: انتشارات فروهر.
- فاضل مازندرانی، اسدالله، ۱۳۲/۱۳۵۴ بدیع، *تاریخ ظهور الحق*، جلد ۸، بی جا: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
- فقیه حقانی، موسی، «به دام افتاده و پنهان کاری جاسوسانه»، *تاریخ معاصر ایران*، ۱۳۷۷، س ۲، ش ۵، ۲۶۱-۲۶۸.
- فرووکاوا، فویوشی، ۱۳۸۴، *سفرنامه فرووکاوا*، ترجمه هاشم رجبزاده و کینجی نه‌اورا، تهران: انجمن مفاخر فرهنگی.
- «کتاب زرتشت باستانی و فلسفه او - حیات اجتماعی پارسیان هندوستان»، فروهر، ۱۳۵۳، س ۹، ش ۳، خرداد ۱۳۵۳، ۱۵.
- کرزن، جرج، ۱۳۷۳، *ایران و قضیه ایران*، جلد ۲، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ ۴، تهران: علمی فرهنگی.
- کشاورزی، کیخسرو، «بنیاد اجتماعی اقلیت کنونی زرتشتیان ایران»، *چیستا*، ۱۳۷۳، ش ۱۰۸ و ۱۰۹، ۶۹۹-۷۰۱.

- کمره‌ای، سید محمد، ۱۳۸۲، *روزنامه خاطرات*، جلد ۲، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- گوینو، ژوزف آرتور، ۱۳۸۳، *سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دوگوبینو*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر قطره.
- ماساهارو، یوشیدا، ۱۳۷۴، *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*، ترجمه دکتر هاشم رجب‌زاده، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۲۵، دوره اول، جلسه ۱۰۴، چهارم جمادی‌الاول.
- ۱۸۵ - نمیرانیان، کتایون، ۱۳۸۶، *زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز*، تهران: مرکز کرمان‌شناسی.
- نیکنام، کورش، ۱۳۸۱، «ایران‌شناسی - زرتشتیان ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۴، ش ۱۳، ۱۴۷-۱۸۱.
- خانیکی، نیکولای ولادیمیروویچ، ۱۳۷۵، *سفرنامه خانیکی*، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- هواواله، صبر، ۱۳۴۴، *روابط پارسیان هند با ایران*، پایان‌نامه مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی، استاد راهنما دکتر محمد مقدم، دانشگاه تهران.
- ویشارد، جان، ۱۳۶۳، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: انتشارات نوین.
- Hormoazdyar, Dastur Kayoji, ۱۹۸۷, *Outlines Parsi History*. Bombay: The K.R. Cama Oriental Institute.
- Karaka, Dosabhai Framji, 1884, *History of the Parsis*, Vol.۱, London: Macmillian and Co.